

عبدالودود پوپلزائی

## مُشتی از زباله دان تاریخ!

جنايات و دهشت افگنی "مجاهدین"

از اعترافات خودشان

مقدمه:

مقداری از نشرات و اوراق تبلیغاتی کهنه و پوسیده سازمانها و گروه های بنیادگرایی اسلامی به اصطلاح "جهادی"، از سالهای طولانی گذشته در کتابخانه من جا گرفته و تراکم کرده بودند. تصمیم گرفتم که آن کثافات را به زباله دان، یا به مفهوم عامیانه به "آشغال دانی" بسپارم.

در اثنای جمع آوری، نظرم به چند نقطه یا گفتاری جالبی خورد که خود آن "مجاهدین" را محکوم میکند، یا واضحتر بگویم: "به زبانهای خودشان، خود را محکوم میکنند!"

به دوستی که با من در جمع آوری این نشریه ها و اوراق کمک میکرد گفتم: چرا این گفته ها را بیرون نویس نکنیم؟ دوستم گفت: چه میکنی؟ پرتو گن این کثافات را... خود را مصروف نساز!

گفتم: آیا این کثافات، ماهیت اصلی این انسانهای جنایتکار و کثیف را به زبان خود شان نشان نمیدهد؟!... آیا این نوشته ها واقعیت آنانرا بدست و قلم خودشان، ترسیم نمی کند؟! و آیا آنان با گفتار های خود، خود را محکوم نمی کنند!؟

(عبدالودود پوپلزائی - آلمان)

\*\*\*

## جهاد سر در گم:

"پیام جهاد" ارگان نشراتی حرکت اسلامی افغانستان - پشاور شماره ۵۷ مؤرخ مارچ ۱۹۹۲ در یک مقاله چنین نوشته است:

"حالت یک سر در گمی و گیچی بر صحنه های سیاسی و نظامی جهادی سایه افکنده است و اوضاع آشفته موجود، چشم انداز آینده را بسیار مبهم ساخته که همه چیز تاریک و مبهم به نظر میرسد. اینکه در آینده چه خواهد شد، در چنین اوضاع مبهم و پیچیده، چه پاسخی باید داد و اصولاً کی و چه کسانی باید پاسخ دهند؟ گویا بن بست در کار ایجاد شده است که شکستادن آنرا باید به یک نیروی معجزه آسای غیبی حواله نمائیم..."

## وزارت بیسوادان و چپاولگر...!

نشریه "مجاهد" در شماره ۲۸ مؤرخ ۲۲ جون ۱۹۹۳ نگاشته است: "... مقام محترم وزارت خارجه در تعیین سفرا و نمایندگان، دست به پالیسی جهان پسند زده است. افراد ماستر و با سواد اگر به آن وزارت معرفی شوند، هزاران بهانه و دلیل و مشکل تراشی میکنند و افراد بیسواد واسطه دار را بی چون و چرا سفیر و عضو سفارت مقرر میکنند. در مقابل این فیلسوفان دالر های وزارت را گرفته و راهی سرزمین عیش و نوش می شوند..."

مقام وزارت خارجه آقای حسینیار را بحیث شازدافیر دولت افغانستان در چاپان مقرر مینماید و به بانک ملی افغانستان دستور میدهد تا به این آقا هشتاد هزار دالر بدهد. مسؤولین بانک ضمن یک مکتوب به وزارت خارجه یاد آوری کرده میگویند که در

اینوقت افغانستان کدام درآمد و پُشتیبانۀ اقتصادی ندارد، بناً یک مقدار این پول را می‌دهیم و متباقی را بعداً خواهیم داد.

وزارت خارجه به غَضَب آمده و دوباره دستور میدهد تا هشتاد هزار دالر به آقای حسینیار داده شود. وی پول را گرفته و اکنون بجای رفته که ازش نه خبری است و نه گذری. و اضافه میشود که افراد بیسواد دیگری از طرف وزارت خارجه در سفارتخانه ها و قونسلگریها منجمله پشاور و کویته دارد. آفرین به انتخابات وزارت خارجه!.."

### **گلبدین تا عمق بخون آلوده است!!**

نشریه "افغانستان و مطبوعات جهان" خبری خارج از کشور مربوط جمعیت اسلامی - ربانی در شماره ۲۳ مؤرخ ۱۵ آگست ۱۹۹۳ نوشته است: "اول آگست ۱۹۹۳ قطب الدین هلال نماینده حزب اسلامی که جهت سامان دادن به دفتر صدارت به شهر کابل رفته بود، در حالیکه مشغول کار در داخل صدارت بود، مورد حمله راکتی "رهبر" خود قرار گرفت. اندکی بعد از اینکه چند راکت به اطراف ساختمان صدارت اصابت نمود، هلال بیرون صدارت برآمده طی انتقاد شدید از رهبر خود چنین گفت: "من میتوانم به کابل بیایم، پس بگردم، کار کنم و آزادی احساس نمایم، اما آنانی که دست شان تا عمق به خون مردم آلوده شده است، از ترس نمی توانند داخل کابل شوند و سرگرم ماجراجویی های غیر اسلامی و غیر ملی میباشند..."

### **حزب کُشتار و تاراج گری!!**

همان نشریه قبلی و در همان شماره خود می نگارد:

"در آگست سال ۱۹۹۳، اعلامیه ای از طرف برخی از منسوبین حزب وحدت در داخل کشور منتشر و پخش گردید که در برخی از متون آن چنین آمده است:

... سه - چهار مرتبه مسؤولین حزب وحدت جنگ خانمانسوز را با اتحاد سیاف براه انداختند که در نتیجه این جنگهای غیر اسلامی، به مردم شیعه بالعموم و به مردم بیچاره هزاره بالخصوص تلفات و ضایعات بیشماری وارد آمد، خانه های مؤمنین به تاراج رفت، زنها ربوده شدند، منازل تخریب گردیدند و مردم آواره شدند...

... جمعی از تفنگداران حزب وحدت در این جنگ ها تا کنون از هیچ جنایت و اقدامات خلاف شرع خود داری نکرده اند. اینها به دزدی، غصب، تخریب منازل و اعمال ننگین دیگر که قلم از ذکر آنها شرم دارد، ملوث شدند...

### **من اسکندر فاتح نیستم!**

نشریه "الصباح" در شماره ۱۰۷ مؤرخ ۳۰ سپتمبر ۱۹۹۳ خود تذکر داده است:

"یک هیئت بلند پایه امریکائی به تاریخ ۲۲ سپتمبر ۱۹۹۳ جهت ملاقات با محمد ظاهر شاه وارد ایتالیا گردید. این هیئت که مرکب از سه نفر اعضای کانگرس امریکا بود، گفتند که ایالات متحده امریکا نسبت به اوضاع جاری در افغانستان تشویش داشته تلاش دارد تا از انتشار بی امنیتی و بنیادگرایی در منطقه جلوگیری نماید. هیئات مذکور به نقش کشور های سعودی، پاکستان و ایران اشاره کرده گفتند که کشور های مذکور نتوانستند در امنیت افغانستان سهم ارزنده داشته باشند! (۱)

این هیئات خواهان تشکیل یک نیرو شده است که تا بتواند امنیت را به افغانستان بر گردانیده و گروپهای مسلح را مجبور به خلع سلاح نماید...

در مقابل شاه اسبق اظهار داشت که وی مخالف ادامه خونریزی در افغانستان بوده و قسمیکه نمی تواند کشته شدن دیگران را نظاره کند، به همین ترتیب اینکار را برای خود هم نمی پسندد.

وی گفت که نمی تواند به مثل اسکندر و یا کدام فاتح نیرومند دیگر، افغانستان را فتح کند، زیرا این توان در وی وجود ندارد. ولی اگر افغانها بخواهند مرا به صفت ریش سفید، شاه قبول کنند، من حاضر هستم به افغانستان بروم..."

(۱): حقایق همیشه ثابت ساخته است که نه تنها اینکشور ها، بلکه ایالات متحده آمریکا و دیگر کشور های غربی و مزدورانشان چون سازمانها و گروههای بنیادگرایی به اصطلاح "اسلامی" از آغاز برای ویران کردن افغانستان و از بین بردن ثبات و امنیت، فعالیت کرده اند و بس!!

### **تفنگداران "جهادی"، حیوانات نادان جنگلی!**

نشریه "الصبح" شماره ۱۱۰ مؤرخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۹۳ در باره جنگجویان "جهادی" می نویسد:

"... برخی به این باور اند که عوامل اصلی درگیریها، عنصر "جهالت" و نادانی کسانیست که در میان تنظیمها به القاب این و آن جا گرفته اند و شرایط جنگی موجود هم عراده زمان را به نفع شان می چرخاند. شاید اینها هنوز معنی و مفهوم جهاد را از جنگ تفکیک نداده باشند... دیگر تفنگداران بی علم، کوتاه بین و قدرت طلب، افراد زیر دست خود را مانند گوسفندان بی شعور به جنگ غیر مشروع سوق داده نمیتوانستند..."

بعضی ها به "ضلالت" تأکید دارند و میگویند که گروپهای مسلح، مجاهد نماهایی اند که اصلاً خواهش اسلامی شانرا در بدل دنیا دوستی و قدرت طلبی رها کرده اند و فکر و اندیشه اسلامی را در جهت خلاف منافع شخصی خود دانسته، تصور می کنند که اگر به قوانین جاودان اسلام گردن نهند، از آنچه که امروز در اختیار دارند، محروم خواهند ماند..."

### **کُشتار بیرحمانهء انسانها**

همان نشریه در شماره ۱۱۴ مؤرخ ۱۸ نوامبر ۱۹۹۳ خود توضیحاتی را ارائه کرده است: "بعد از شکست نیروهای احمد شاه مسعود در تگاب و نجراب، نیروهای هوایی ائتلافیون، بازار سروبی و مناطق وسیع مسکونی را در ولسوالی سروبی و تگاب بمبارد نمود. در اثر ۴۰ نفر کشته و ۷۰ نفر زخمی شده اند، دو باب مسجد و دهها باب دکان و منازل مسکونی آتش گرفت. راپورتر بی بی سی نفرت مردم مسلمان و بیگناه منطقه نسبت به مسعود و عاملین جنایتکار را منعکس نموده و آنرا یک فاجعه توصیف کرده است. نماینده صلیب سرخ شهر سروبی میگوید: بمبارد متذکره در تاریخ ۱۴ ساله "جهاد" افغانستان بی مثال بوده است..."

### **تسلط بر مردم توسط قتل و ویرانگری!**

چنانچه نشریه مذکور در شماره ۱۱۹ مؤرخ ۲۳ دسامبر ۱۹۹۳ خود می نویسد:

"... یکی از عوامل مهمی که جنگ جاری را در کشور طولانی گردانیده و راه پایان آن جستجو شده نمی تواند، عدم روشن بودن هویت آشکار طرف درگیر در جنگهای موجوده میباشد.

گروهائیکه در برابر اراده ملت، مجاهدین افغان جنگ را برگزیده و راه سیطره و حکومت بر ملت را از طرق جنگ و خونریزی انتخاب نموده است، در هر مقطعی چهره و قیافه جدا از مقطعی دیگر را گرفته و نقطه مرکزی را به مراکز متعدد تقسیم نموده که اختیار این اسلوب دسته جنگ طلب و زورگو باعث گردیده است تا تلاش کسانیکه برای اطفای آتش جنگ کوشش میدارند یا میخواهند مسأله جنگ از هر گوشه و کنار وطن به هستی و پنداران ما زبانه بکشد..."

### **جنگ برای قدرت سیاسی**

محمد ظاهر شاه در پیام مؤرخ چهارم جنوری ۱۹۹۴ خود گفته است:

"... صد ها تن از اولاد افغان طی چند روز به ناحق کشته و زخمی و هزاران افغان بی خانه و آواره می گردند و جنگ در میان افغانها به عناوین که هر روز در حال تغییر است، در میگیرد و نه تنها ایام و سالهای عذاب و رنج ملت افغان را طولانی میسازد، بلکه به حیثیت و مقام بین المللی ملت مجاهد و مسلمان نیز صدمه وارد می کند. فاجعه چند روز اخیر در افغانستان، نتیجه مستقیم نادیده گرفتن اراده اکثریت ملت افغان و جنگ بالای قدرت سیاسی و دوام مداخلات غرض آلود خارجی است..."

### **از جنایات پرده پوشی شد!**

نشریه "مجاهد" شماره ۲۴ مؤرخ دهم جنوری ۱۹۹۴ به نقل قول از اسمعیل الفخرانی خبرنگار روزنامه "الاتحاد" منتشره ابوظبی، شماره ۶۹۳۸ مؤرخ هفتم جنوری ۱۹۹۴ اشاره می نماید:

"... در طول سالیان جهاد پس از سرنگونی رژیم کمونیستی، هیچ جنگی در هیچ گوشه و منطقه ای از افغانستان به راه نه افتیده است، مگر آنکه گلبدین یکطرف اینهمه جنگها بوده باشد. من از نزدیک اخبار و تحولات تشکیل نخستین حکومت مجاهدین در "راولپندی" را دنبال میکردم و به چشم سر دیدم که عناصر دل بیمار کوشش خود را بکار می بردند تا از جلسات نتیجه ای بدست نیاید. در رأس همه ای آنان گلبدین قرار داشت که موانع می آفرید و به بهانه ها و ذرایع واهی توصل می جست. رویداد خونین تجاوز تخار را نمی توان از یاد بُرد.

که در آن ۳۰ تن از بهترین فرماندهان جهادی بدست پیروان گلبدین مظلومانه به قتل رسیدند... این بزرگترین جرم و جنایت است... اگر از آغاز جلو ظلم و مظلوم را می گرفتیم و پرده پوشی نمی کردیم، بدون شک می توانستیم جلو شعله ور شدن آتش خانمانسوز این فتنه را بگیریم..."

### **گلبدین، مزدور و خونخوار!!**

نشریه "مجاهد" در شماره ۲۴ مؤرخ دهم جنوری ۱۹۹۴ خود نقاب از چهره گلبدین برداشته می نویسد:

"... با وجود آنهمه جنایات و جرایم هولناک علیه جهاد، اسلام و وطن، گلبدین این جنایتکار مزدور همیشه مدعی اسلام حقیقی و راستین بوده و ادعا کرده است که تنها وی می تواند حکومت اسلامی را در افغانستان پیاده سازد و بس. این یگانه بهانه وی برای شعله ور ساختن درگیریهای خونین علیه جبهات جهادی سایر تنظیمها و کشتن و ترور قوماندان ها و مجاهدین مخلص بوده است... گلبدین برای فرونشاندن عطش خونخواری اش که هرگز فرو نمی نشیند، هر بار بهانه تازه ای را به منظور شعله ور ساختن جنگ و راکت باران کابل عنوان میکرد... گلبدین از اینهمه دعوی های بلند و بالا و به راه انداختن اینهمه جنایات و جرائم ننگین، فقط یک هدف داشت و آن تکیه زدن بر اریکه قدرت بود..."

### **حزب تروریستی!**

در شماره ۲۹ مؤرخ فبروری ۱۹۹۴ "افغانستان در مطبوعات جهان" آمده است: "... حزب گلبدین به افراد خویش دستور داده اند که همه کسانی را که در سفارتخانه ها و نمایندگیهای دولت اسلامی افغانستان در بیرون کار میکنند، باید به قتل برسانند. البته تذکر باید داد که حزب مذکور چنانچه به همه هویداست از سالها قبل نیز شخصیت های برجسته کشور، قوماندانهای سرشناس مجاهدین و سایر مخالفین خود را در حد امکان از طرق مختلف از بین برده و ترور نموده است..."

### **جهاد یا دهشت افگنی!؟**

نشریه فوق در همان شماره و تاریخ نوشته است: "... شبکه تلویزیونی سی.ان.ان. CNN یک گزارش اختصاصی را شام ۲۱ جنوری ۱۹۹۴ در بارآ ترور و ایجاد وحشت در امریکا و ارتباط آن با موضوع افغانستان به نشر سپرد که توسط افراطیون سازمان داده میشود...

در شروع پروگرام، صحنه هایی از انفجار عمارت مرکز تجارت بین المللی در نیویارک، روی پرده تلویزیون ظاهر گردید. گرداننده پروگرام بر پلان ترور و قتل "الفاس تومانو" سناتور نیویارک، حسنی مبارک رئیس جمهور مصر و پتروس عالی سرمنشی ملل متحد- وقت و پلان بمگذاری در تونل و پلهای نیویارک، عمارت ملل متحد و دفاتر اداره بازجویی حکومت فدرال (FBI) اشاره کرده گفت: مسؤل ایجاد وحشت و ترور، مسلمانهای افراطی بوده که به پول و حمایت ایالات متحده امریکا در کمپهای مربوط گلبدین حکمتیار تربیه شده اند... شش نفر متهم بمگذاری مرکز در کمپهای تربیوی مجاهدین در پاکستان تجربه جنگ و کشتن، بمگذاری و بم سازی را فرا گرفته اند. دستگاه استخباراتی امریکا (CIA)، بیشترین مصارف تربیه این اشخاص را پرداخته است...

رابرت گیت Robert Gate رئیس سابق سی. آی. ای در مورد می گوید: ما انتظار سپاسگزاری از کمک های خود را نداشتیم و این را هم توقع نمی کردیم که ما را در وطن ما ترور کنند و منفجر سازند..."

باید توقع داشته باشید، که چاه کن خودش در چاه می افتد!!

## **تجاوز بر عفت دختران و نوجوانان**

هفته نامه "کابل" مؤرخ جوزای ۱۳۷۲ در یک تبصره ای خود چنین نگاشته است:

"... تا چندی پیش پیهم اطلاع می گرفتیم که فلان شخص یا گروپ در ساحهٔ (...)  
دختر جوانی را ربوده و بعد از گذشت چند روز به حالت ناجایزی وی را به عقب  
منزلش افکنده اند. بیا بشنو که به چه سرعت قابل توجهی ربودن نو جوانان و جوانان  
نیز آغاز شده است... ساعت دوازده شب سیزدهم ثور، پسر جوانی به اسم میرویس از  
طرف شخص مسلح به اسم کریم از منزلش واقع در حصهٔ دوم خیرخانه ربوده میشود.  
پسر مذکور متعلم صنف دوازدهم یکی از لیسه های خیرخانه است که جوان زیبا و با  
تمکین بود، اما جانبان حیوان صفت و بد اخلاق وی را به مدت دو روز ربودند که همراه  
با رباینده ۳۰ نفر از اعضای گروپ وی به عفت جوان تجاوز نمودند و بعد از دو روز،  
دوباره او را به عقب منزلش رسانیدند...

این گزارش از جمع صد ها حادثه ایست که فعلاً به روی صفحه کشیده می شود.."

### **سرچشمهء طالبان مزدور، پاکستان است!**

"افغانستان و مطبوعات جهان" به نقل از فصلنامهٔ مطالعات سیاسی آسیای مرکزی و  
قفقاز شمارهٔ ۱۷ و به نوشتهٔ یوری گانگوفسکی، توضیحاتی را ارائه می نماید: "اولین  
گروه طالبان متشکل از ۸۰۰ چریک در ناحیهٔ کویته در نزدیکی سرحد جنوب غربی  
افغانستان تشکیل شدند.

اواخر فبروری - اواخر حوت سال ۱۳۷۳ تعداد نفرات اینگروه به بیست و پنجهزار نفر  
رسید و آنها به غیر از سلاح سبک و سنگین، از جمله ۲۵۰ تانک و ده طیاره در اختیار  
داشتند. در خزان سال ۱۳۷۵، تعداد آنان دو برابر شد. البته این تعداد صرفاً از  
شاگردان مکاتب دینی تشکیل نشده اند.

تحليل اطلاعات موجود نشان ميدهد، كه طالبان با شركت فعال وزارت داخله پاکستان تشكيل شده است. حزب راديكال راستگراي اسلامي "جمعيت اسلامي" پاکستان در تشكيل اينگروه، نقش فعالی را ايفاء کرده است... طالبان در خزان سال ۱۳۷۵، بزرگترین شهرهای کشور را تصرف نمودند. قندهار، هرات و کابل در اختيار آنها بود... در جریان یکی از جنگهای تعیین کننده برای تصرف کابل، عساکر پاکستانی به بگرام اعزام شدند. پیروزی طالبان باعث تحکیم موضع پاکستان در افغانستان گردید./

برگرفته از مجله آزادی شماره ۷۸ سال یازدهم

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)